

The role of citizens in the conservation of architectural heritage An examination and assessment of existing practices in the historical fabric of Yazd

Behrooz Bahrami

Ph.D. Candidate, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Mitra Azad

Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran,
Iran (Corresponding Author)

Abstract

Public participation plays a pivotal role in the conservation of architectural heritage, particularly when governmental organizations encounter limitations in effectively addressing the complexities of preservation. Engaging local communities not only enhances the practical success of conservation initiatives but also fosters a deeper sense of belonging, ownership, and cultural appreciation among residents. However, evidence from studies conducted in Iran highlights significant shortcomings in integrating local communities into heritage conservation processes, with residents often marginalized or excluded from decision-making frameworks. Such exclusion undermines the potential for sustainable and inclusive conservation practices, raising critical questions about the effectiveness of existing approaches. This study examines the dynamics and challenges of public participation in the historic fabric of Yazd, a UNESCO World Heritage Site renowned for its extensive mudbrick architecture and rich cultural heritage. Adopting a mixed-methods approach, the research seeks to uncover the underlying issues that hinder effective collaboration between communities and governmental bodies. In the first phase, qualitative data were collected through 35 semi-structured interviews conducted with local residents and conservation experts. These interviews underwent reflective thematic analysis using Atlas.ti software, which facilitated the identification of initial codes, refinement of key themes, and discovery of barriers to meaningful public participation. In the second phase, a structured quantitative survey involving 300 respondents validated the qualitative findings. This survey assessed perceptions of the importance of the identified themes and explored the interrelationships among them. The findings reveal fundamental conflicts between the priorities of residents and those of governmental bodies. Residents expressed a strong commitment to preserving their living environments within the historic fabric and emphasized the importance of participatory decision-making processes that address their socio-economic needs alongside conservation efforts. However, governmental bodies adopted a preservationist approach, prioritizing the physical conservation of heritage structures while often neglecting socio-cultural and economic dimensions. This divergence has led to diminishing trust, reduced engagement, and the gradual outmigration of residents from the historic fabric. Moreover, the reliance on top-down decision-making, combined with limited financial resources and an overemphasis on tourism development, has exacerbated challenges in achieving sustainable and inclusive conservation strategies. Residents perceive these policies as misaligned with their daily realities and needs. The study underscores the urgent need for a paradigm shift toward community-based conservation models. Such models should balance the physical and human dimensions of heritage, integrate residents' voices into decision-making processes, and prioritize the socio-economic well-being of local communities. Collaborative frameworks, enhanced communication channels, and capacity-building initiatives are essential for empowering communities and fostering a shared commitment to conservation goals. Additionally, policy flexibility is critical to effectively address the diverse and evolving needs of stakeholders. While these findings provide valuable insights specific to Yazd, they also offer broader lessons for similar heritage contexts globally. Future research is encouraged to explore scalable frameworks for fostering genuine public participation, particularly in settings where conflicting interests between residents and governmental institutions prevail.

Keywords: Conservation of architectural heritage, public participation, historical fabric, community-based conservation, governmental conservation

فصلنامه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۷ (۴۶)، ۱۲۲-۱۳۹

DOI: 10.30480/AUP.2025.5515.2188

نوع مقاله: پژوهشی

نقش آفرینی مردم در حفاظت از میراث معماری بررسی و آسیب شناسی رویه های موجود در زمینه بافت تاریخی شهر یزد*

بهروز بهرامی

دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

میترا آزاد

استادیار مرکز مستندنگاری، مطالعات معماری و مرمت، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: m_azad@sbu.ac.ir

چکیده

تجربیات جهانی و منشورهای بین المللی حاکی از آن است که مشارکت مردمی در حفاظت از میراث معماری، به ویژه زمانی که سازمان های متولی در انجام کامل وظایف خود با محدودیت مواجه می شوند، راهکاری مؤثر و در دسترس است. در این میان، جذب جامعه محلی به فعالیت های مربوط به حفاظت از میراث معماری، علاوه بر نتایج مثبت عملی، می تواند حس تعلق و ارزش گذاری به فرهنگ و تاریخ را در میان مردم تقویت کند. با این حال، بررسی های انجام شده در کشور ما نشان می دهد که ساکنان محلی در فرایندهای حفاظت از میراث معماری کمتر دیده شده یا حتی نادیده گرفته شده اند. در این پژوهش، با در نظر گرفتن شرایط خاص سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهر یزد، از رویکرد کیفی و روش تئوری زمینه ای استفاده شده است. تحلیل تماتیک انعکاسی به منظور شناسایی آسیب ها و چالش های موجود در راه نقش آفرینی ساکنان در حفاظت از میراث معماری انجام گرفته و سپس اعتبارسنجی نتایج کیفی از طریق یک پیمایش کمی با استفاده از پرسش نامه صورت گرفته است. نتایج نشان می دهد که یک تقابل چندوجهی میان ساکنان بافت تاریخی شهر یزد و نهادهای دولتی در فرایندهای حفاظت شکل گرفته است. این تقابل ها به خروج تدریجی ساکنان از بافت تاریخی و نیز فرسایش و تحلیل توان اجرایی نهادهای دولتی منجر شده است.

کلیدواژه ها: حفاظت میراث معماری، مشارکت مردمی، بافت تاریخی، حفاظت مردمی، حفاظت دولتی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری بهروز بهرامی با عنوان «حفاظت مردمی از میراث معماری؛ پژوهش موردی: بافت تاریخی شهر یزد» است که با راهنمایی دکتر میترا آزاد و دکتر اکبر حاج ابراهیم زرگر و مشاوره دکتر هادی ندیمی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در حال انجام است.

مقدمه

حفاظت از میراث معماری، به عنوان یکی از ارکان اصلی هویت فرهنگی، در دهه های اخیر به یکی از دغدغه های مهم مدیریت شهری تبدیل شده است. این فرایند، که ابعاد اقتصادی و اجتماعی گسترده ای دارد، شامل درک، نگهداری، مرمت و سازگاری بافت های تاریخی است (ارباسلی، ۱۳۹۳، ۴۰). هرچند مفهوم حفاظت یکپارچه نسبتاً جدید است، اما مشارکت مردمی به عنوان یکی از ارکان اصلی حفاظت پایدار همواره مطرح بوده است (Waterton & Watson, 2011; Spiridon & Sandu, 2015). تجارب جهانی نشان می دهد که مشارکت فعال جامعه محلی نه تنها حس تعلق به میراث را تقویت می کند، بلکه اجرای موفق برنامه های حفاظتی را تضمین می کند (Hyari, 2012; Bruko, 2015). با این حال، چالش های نگرشی و تضاد منافع میان نهادهای دولتی و جوامع محلی، کارآمدی این فرایندها را کاهش داده است (AbouAssiet al., 2013). تحقیقات نشان می دهد ارتباط قوی تر میان مردم و میراث فرهنگی می تواند تعهد و حمایت بیشتری در فرایندهای حفاظتی به دنبال داشته باشد (Gottler & Ripp, 2017). از این رو، حفاظت پایدار مستلزم مدل های مدیریت مشارکتی است که جامعه محلی را به عنوان یکی از بازیگران اصلی در فرایندهای تصمیم گیری و اجرایی در نظر گیرد (Li et al., 2020; Achig-Balarezo et al., 2017).

شهر یزد با تاریخچه ای کهن و میراث معماری ارزشمند، نمونه ای برجسته در زمینه حفاظت از بافت تاریخی است. با وجود اهمیت این میراث، بررسی ها نشان می دهد که مشارکت مردم در فرایندهای تصمیم گیری و اجرایی کم رنگ بوده و این موضوع منجر به کاهش حس تعلق ساکنان، ناکارآمدی اقدامات حفاظتی، و آسیب به مدیریت این میراث شده است. این پژوهش تلاش دارد به سؤالات زیر پاسخ دهد: چگونه می توان نقش مردم را در حفاظت از میراث معماری یزد تقویت کرد؟ چه چالش هایی بر سر راه مشارکت آن ها وجود دارد؟ چگونه تعامل میان نهادهای دولتی و جامعه محلی می تواند به بهبود اقدامات حفاظتی کمک کند؟ و آیا روش های کنونی حفاظت با نیازها و انتظارات مردم همخوانی دارند؟ هدف پژوهش، آسیب شناسی رویه های موجود در زمینه نقش آفرینی مردم در حفاظت از بافت تاریخی یزد و شناسایی چالش ها و راهکارهایی برای بهبود مشارکت و تعامل میان مردم و نهادها است.

پیشینه پژوهش

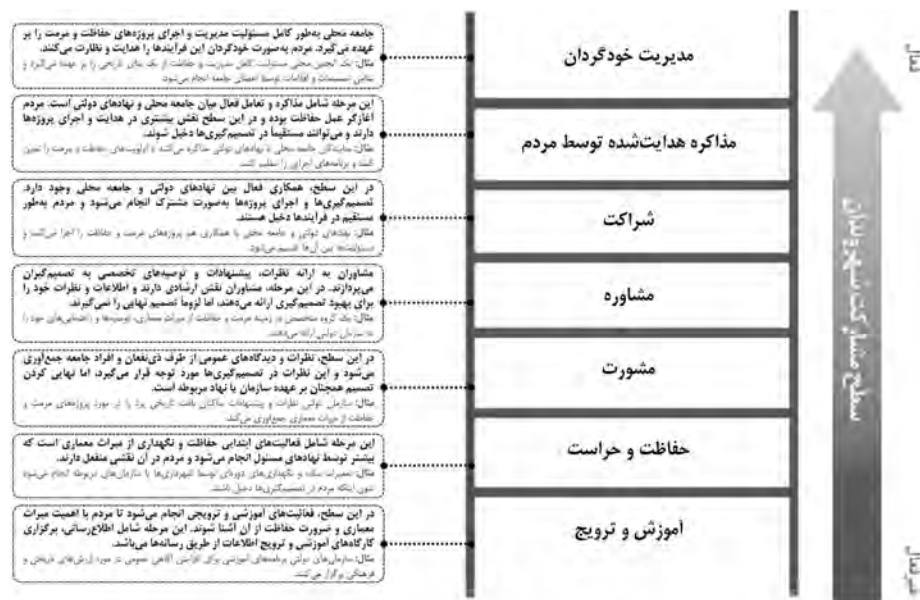
ایران با بیش از یک میلیون بنای تاریخی، یکی از غنی ترین کشورها از نظر میراث فرهنگی و معماری است. از این تعداد، هزاران بنا و ده ها بافت شهری و روستایی در فهرست میراث ملی ثبت شده اند. مطابق قانون «حفظ آثار ملی» مصوب ۱۳۰۹ ه.ش و قوانین تکمیلی بعدی، حفاظت و نظارت بر این آثار بر عهده دولت گذاشته شده است (حمایت از مرمت و احیای بافت های تاریخی-فرهنگی، ۱۳۹۸؛ طرح حمایت از مرمت و احیای بافت های تاریخی-فرهنگی و توانمندسازی مالکان و بهره برداران بناهای تاریخی-فرهنگی، ۱۳۹۸؛ قانون حفظ آثار ملی، ۱۳۰۹). با این حال، بررسی بودجه و توان اجرایی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی^۱ نشان می دهد که این مسئولیت فراتر از ظرفیت این نهاد است. تخریب و نادیده گرفته شدن بسیاری از بناهای تاریخی، گواهی بر ناکارآمدی سازوکارهای موجود در این زمینه است. از سوی دیگر، تحلیل قوانین و طرح های مصوب، از جمله طرح های «حمایت از مرمت و احیای بافت های تاریخی-فرهنگی» و «توانمندسازی مالکان و بهره برداران بناهای تاریخی-فرهنگی» (۱۳۹۸)، نشان می دهد که بسیاری از این برنامه ها به دلیل محدودیت منابع، ابهام در تعاریف، نبود ضمانت اجرایی، و گاه عدم شفافیت در رویه ها به اهداف خود نرسیده اند (مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۲). ناکارآمدی

این طرح‌ها، همراه با عدم هماهنگی دستگاه‌های مختلف، موجب شده بافت‌ها و بناهای تاریخی همچنان در معرض تخریب و فرسایش قرار گیرند.

برای جبران این کمبودها، وزارت میراث فرهنگی به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی روی آورده است. این رویکرد، هرچند به حفظ برخی بناها و رونق گردشگری کمک کرده است، اما به پیامدهایی مانند کاهش انگیزه ساکنان بومی و کاهش جمعیت اصیل مناطق تاریخی منجر شده است (ابویی و نیک‌زاد، ۱۳۹۶؛ پیروی و همکاران، ۱۴۰۱؛ سعدوندی و کلانتری، ۱۳۹۹؛ مدرس مصدق، میرجانی و عباسی، ۱۳۹۸). این تغییرات اجتماعی و فرهنگی، هرچند کوتاه‌مدت به بهبود وضعیت اقتصادی کمک کرده‌اند، اما در بلندمدت می‌توانند اصالت بافت‌های تاریخی را تهدید کنند.

منشورهای بین‌المللی بر اهمیت مشارکت فعال جوامع بومی در حفاظت از میراث فرهنگی تأکید دارند (Council of Europe, 1985, 2005, 2009, 2017؛ احمدیان هروی و خویی، ۱۳۹۶؛ ایزدی، ۱۳۸۰؛ فدایی‌نژاد و حناچی، ۱۳۹۳). در ایران، با وجود محدودیت منابع مالی و مشکلات اجرایی، مشارکت مردم در حفاظت کم‌رنگ بوده و دولت نقش اصلی را ایفا کرده است (احمدی و زمانی، ۱۳۹۹؛ احمدیان هروی و خویی، ۱۳۹۶؛ فدایی‌نژاد و حناچی، ۱۳۹۳؛ کبیری و همکاران، ۱۳۹۸؛ مدرس مصدق و همکاران، ۱۳۹۸). این امر، همراه با بی‌اعتمادی متقابل میان مردم و نهادهای دولتی، به یکی از چالش‌های اصلی در حفاظت میراث معماری تبدیل شده است.

موضوع مشارکت مردم در حفاظت با مفاهیمی مانند حفاظت مشارکتی و حفاظت همیارانه^۲ مطرح شده است، اما در ایران، نادیده گرفتن روش‌ها و رویه‌های بومی، مانع موفقیت این رویکردها شده است (Spiridon, 2013). پژوهشگران مدل‌های مختلفی برای تحلیل درجات مشارکت اجتماعی در فرایندهای تصمیم‌گیری و مدیریت میراث فرهنگی ارائه کرده‌اند. یکی از شناخته‌شده‌ترین این مدل‌ها، نردبان مشارکت آرنشتاین^۳ (۱۹۶۹) است که به‌عنوان چارچوبی علمی، مشارکت مردم را از سطوح غیرفعال تا فعال درجه‌بندی می‌کند (Arnstein, 1969; Creighton, 2005; Cooper et al., 2006; Fung, 2006; NCDD, 2008; Chan, 2016; Göttler & Ripp, 2017). پی‌وچان^۴ (۲۰۱۶) این مدل را به حوزه مدیریت میراث منتقل کرده است تا درک بهتری از نقش مشارکت در سطوح مختلف فراهم کند (شکل ۱). با این حال، شواهد میدانی نشان می‌دهند که مشارکت مردم در ایران اغلب در سطوح پایین این مدل باقی مانده و کمتر به شکل فعال و مؤثر تحقق یافته است. یکی از چالش‌های اساسی در این زمینه، بی‌اعتمادی متقابل میان مردم و نهادهای دولتی است. تصمیم‌گیران دولتی اغلب بر این باورند که مشارکت مردمی به دلیل انتظارات غیرکارشناسی یا اقدامات خودجوش، به جای کمک به حفاظت، آسیب‌زا خواهد بود (یزدانفر، ۱۳۸۷). بسیاری از کارشناسان دولتی نیز اعتقادی به نقش مثبت مردم در حفاظت از میراث ندارند و آن‌ها را فاقد درک کافی از ارزش‌ها و فرایندهای حفاظت اصولی می‌دانند (پیروی و همکاران، ۱۴۰۱). ازسوی دیگر، مردم نیز اعتماد کمی به نهادهای دولتی دارند و نادیده گرفتن آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها، این بی‌اعتمادی را تشدید کرده است. با این حال، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که بافت‌های تاریخی طی قرن‌ها توسط ساکنان خود حفظ شده‌اند و این واقعیت، دیدگاه غالب دولتی را به چالش می‌کشد.



شکل ۱. نردبان مشارکت برای مدیریت میراث

(بازترسیم براساس Arnstein, 1969)

به‌عنوان مثال، پژوهش‌های انجام‌شده در بازار تاریخی تبریز، نمونه‌ای موفق از مشارکت مردم در حفاظت را نشان می‌دهند. این بازار پس از زلزله ۱۱۹۴ هجری قمری، با اتکا به مشارکت اجتماعی مردم بازسازی شد و در دهه ۱۳۵۰ نیز دکتر فرهاد تهرانی^۵، با تکیه بر همکاری مردم، پروژه مرمت بازار را انجام داد. این اقدامات، که بدون وابستگی جدی به حمایت دولتی انجام شد، موجب ثبت بازار تبریز در فهرست میراث جهانی یونسکو و دریافت جایزه بزرگ معماری بنیاد آقاخان در سال ۱۳۹۲ شد (حق پرست و اسمعیلی سنگری، ۱۳۹۸؛ پیروزی، ۱۳۹۸).

پژوهشگران بر این باورند که مشارکت اجتماعی در تمامی مراحل مدیریت میراث فرهنگی، از شناخت و برنامه‌ریزی تا اجرا، نقش کلیدی دارد. زمانی که جوامع محلی از ابتدا در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشته باشند، احتمال موفقیت اهداف حفاظتی افزایش می‌یابد (Achig-Balarezo et al., 2017; Oevermann et al., 2016). بااین حال، تجربه‌های موجود در ایران نشان می‌دهند که به‌رغم محدودیت‌های سازمان‌های مسئول، مشارکت مردم همچنان در سطوح پایین مدل آرنستاین باقی مانده است و این امر توانایی ایجاد حفاظت پایدار را محدود کرده است.

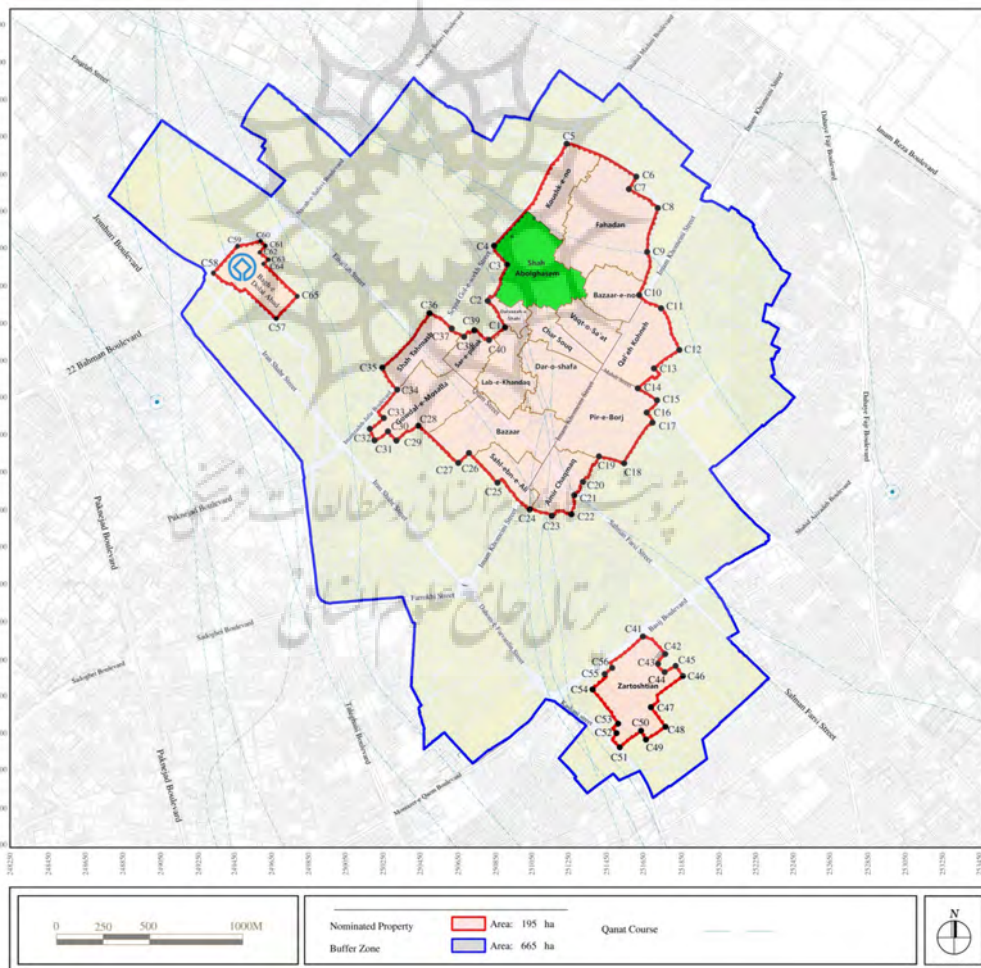
این پژوهش با هدف روشن کردن وضعیت موجود نقش‌آفرینی مردم در حفاظت از بافت‌ها و بناهای تاریخی کشور انجام شده است. با درنظر گرفتن ناکارآمدی دولت در حفاظت از بافت‌های تاریخی و گستردگی و تنوع میراث معماری ایران، پژوهش تلاش می‌کند تا به این سؤال پاسخ دهد که چگونه می‌توان با اعطای نقشی اساسی به مردم، حفاظت مردمی را به‌عنوان رویکردی کارآمد برای حفاظت حداقلی اما با پوشش حداکثری به کار گرفت؟

بررسی موردی پژوهش و محدوده مطالعه

برای دستیابی به اهداف پژوهش، بافت تاریخی شهر یزد به سه دلیل به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شد: نخست، ثبت این بافت در فهرست میراث جهانی در سال ۱۳۹۶ که نشان از اهمیت آن دارد، اما همچنان با مهاجرپرستی و کاهش جمعیت ساکنان مواجه است (زارعیان و همکاران، ۱۳۹۹). دوم، داشتن گسترده‌ترین بافت خشتی در جهان و جایگاه ویژه در میان شهرهای تاریخی، ضرورت بررسی رویه‌های حفاظتی در یزد را افزایش

می‌دهد. سوم، یزد شهری مردم‌ساز است که در طول تاریخ توسط ساکنان آن حفظ شده است؛ نادیده‌گرفتن و یا کم‌توجهی به پایه‌های اجتماعی در مداخلات دولتی، نشان‌دهنده چالش‌هایی در زمینه مدیریت میراث معماری است که بررسی آن‌ها می‌تواند اطلاعات دست اول و ارزشمندی در اختیار ما قرار دهد.

از میان محلات بافت تاریخی، محله شاه‌ابوالقاسم به دلیل انتخاب به عنوان محله پایلوت در پرونده ثبت جهانی و دارا بودن مطالعات طولی مفید، به عنوان نمونه انتخاب شد. این محله در مرکز بافت تاریخی یزد قرار دارد و از شمال با محلات کوشک نو و فهادان، از شرق با محلات بازار نو و وقت‌الساعت، از جنوب به محلات مسجد جامع و دروازه شاهی، و از غرب با خیابان‌های سیدگل سرخ و لرد کیوان هم‌جوار است (شکل ۴). محله شاه‌ابوالقاسم با مساحت ۱۴۶۹ هکتار و ۴۶۰ قطعه نقش مهمی در بافت تاریخی یزد ایفا می‌کند و از نظر اجتماعی- فرهنگی پویا و پرشور است. این محله با جمعیتی حدود ۸۰۰ نفر، شامل افرادی از تمام سنین با روحیه مشارکت‌پذیری بالا است که به حفظ آداب و رسوم، مراسم‌ها، رویدادها و جشنواره‌های محلی خود می‌پردازند. حدود ۶۶٪ از بناهای محله فعال بوده و ۸۳٪ از آن‌ها کاربری مسکونی دارند (حسینی، ۱۳۹۵). شواهد نشان می‌دهد که اقدامات انجام‌شده برای ثبت جهانی، رابطه مناسبی بین مردم و دولت ایجاد کرده و مشارکت مؤثری در حفاظت از بافت تاریخی به وجود آورده است.



شکل ۲. جایگاه محله شاه‌ابوالقاسم در محدوده پیشنهاد شده برای ثبت در لیست میراث فرهنگی جهانی

منبع: پرونده ثبت جهانی یزد، ۱۳۹۶

روش پژوهش و جامعه آماری

پژوهش حاضر به منظور بررسی چالش‌ها و آسیب‌های نقش‌آفرینی مردم در حفاظت از بافت تاریخی یزد، از ترکیب روش‌های کیفی و کمی بهره گرفته است. در مرحله نخست، تحلیل تم انعکاسی^۶ برای استخراج مضامین و الگوهای معنادار از داده‌های متنی استفاده شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از متخصصان و تصمیم‌گیران مرتبط با بافت تاریخی یزد و ۲۰ نفر از ساکنان محله شاه ابوالقاسم جمع‌آوری شدند. روش نمونه‌گیری برای متخصصان، گلوله برفی و برای ساکنان، تصادفی در دسترس بود. مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافتند و داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی‌آی^۷ کدگذاری شدند.

فرایند کدگذاری شامل سه مرحله بود: شناسایی کدهای اولیه، بازبینی و پالایش آن‌ها، و دسته‌بندی کدهای نهایی در قالب تم‌های اصلی. این تم‌ها، که چالش‌ها و تضادهای کلیدی در نقش‌آفرینی مردم را نشان می‌دهند، در بخش یافته‌ها همراه با شواهد ارائه شده‌اند تا فرایند تحلیل داده‌ها روشن‌تر شود. در مرحله دوم، پژوهش به صورت پیمایشی ادامه یافت و براساس یافته‌های کیفی، پرسش‌نامه‌ای محقق ساخته میان ۳۰۰ نفر از متخصصان و ساکنان توزیع شد. نمونه‌گیری در این مرحله نیز به صورت تصادفی در دسترس انجام گرفت و پاسخ‌ها با استفاده از طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای تحلیل شدند.

ترکیب تحلیل تم انعکاسی با نرم‌افزار اطلس تی‌آی بستر مناسبی برای شناسایی دقیق چالش‌ها و فرصت‌های موجود در مشارکت مردم فراهم کرد. همچنین، تلفیق روش‌های کیفی و کمی به عنوان ابزار اعتبارسنجی، موجب افزایش دقت و انسجام یافته‌ها شد. این رویکرد نتایجی ارائه کرد که علاوه بر عمق علمی، قابلیت تعمیم‌پذیری بالایی دارند و راهکارهایی برای بهبود مشارکت مردمی در حفاظت از بافت تاریخی یزد پیشنهاد می‌دهند.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فرایند حفاظت از بافت تاریخی یزد با پنج چالش و تضاد اساسی مواجه است که از تحلیل داده‌های کیفی مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند. این چالش‌ها در قالب پنج تم اصلی شامل «حفاظت از ساختار در مقابل حفاظت از زندگی»، «برنامه اقتصادی در مقابل برنامه زندگی»، «تصمیم‌گیری متمرکز در مقابل تصمیم‌گیری جمعی»، «حضور در بافت در مقابل زندگی در بافت» و «انتظار اطاعت در مقابل انتظار حمایت» شناسایی شدند. در ادامه، کدهای انتزاعی مرتبط با هر تم اصلی در قالب یک جدول (۱) ارائه می‌شود تا ارتباط منطقی میان داده‌های خام و تم‌های اصلی شده مشخص شود.

جدول ۱. کدهای انتزاعی مرتبط با تم‌های اصلی

تم‌های اصلی	کدهای اولیه مرتبط
حفاظت از ساختار در مقابل حفاظت از زندگی	توجه صرف به حفاظت کالبدی، محدودیت در روزآمد کردن خانه‌های تاریخی، بی‌توجهی به خدمات روزمره در بافت، عدم توجه توأمان به زندگی و کار در بافت
برنامه اقتصادی در مقابل برنامه زندگی	برنامه‌ریزی اقتصادمحور برای حفاظت، سرمایه‌گذاری ناکافی در بافت، کمبود خدمات شهری، ارزش سرمایه‌ای و سوداگری در بافت، اولویت منافع اقتصادی بر نیازهای مردم

تم‌های اصلی	کدهای اولیه مرتبط
تصمیم‌گیری متمرکز در مقابل تصمیم‌گیری جمعی	عدم تمایل دولت به تقسیم قدرت، نادیده‌گرفتن مشارکت مردم، عدم توجه به جنبه اجتماعی حفاظت، عدم شفافیت در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی از بالا به پایین، محدودیت ارتباط نهادهای متولی و مردم، اولویت نظر کارشناسان خارجی به تجربه زیسته مردم
حضور در بافت در مقابل زندگی در بافت	جایگزینی و جابه‌جایی جمعیت، عدم ارائه خدمات ویژه به ساکنان، اولویت گردشگری به سکونت ساکنان، عدم ارائه برنامه برای توانمندسازی مردم بومی، از بین بردن دلبستگی و حس تعلق ساکنان، نبود خدمات ضروری در بافت، نادیده گرفتن مالکیت معنوی مردم بر میراث، ناامنی و مشکلات زیست محیطی
انتظار اطاعت در مقابل انتظار حمایت	نبود برنامه برای فرهنگ‌سازی و برقراری تعامل سازنده با ساکنان، نادیده گرفتن خواسته‌های مردم، نادیده گرفتن نقش مردم در حفاظت، عدم انعطاف در قوانین، بی‌توجهی به نیازهای شخصی و جمعی مردم، ضعف در حمایت اجتماعی

تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که هریک از تم‌های اصلی از کدهای متعدد شناسایی شده در فرایند کدگذاری تشکیل شده‌اند. برای مثال، تم «حفاظت از ساختار در مقابل حفاظت از زندگی» بیانگر تمرکز برنامه‌های حفاظتی بر جنبه‌های کالبدی بافت تاریخی است که نیازهای ساکنان را نادیده گرفته و محدودیت‌هایی مانند عدم امکان تغییر در خانه‌ها را ایجاد کرده است. در تم «برنامه اقتصادی در مقابل برنامه زندگی»، اولویت بخشی به برنامه‌های سودمحور بر مسائل اجتماعی و معیشتی مردم غلبه دارد. تم «تصمیم‌گیری متمرکز در مقابل تصمیم‌گیری جمع» به عدم مشارکت مردم در مدیریت و برنامه‌ریزی اشاره دارد که منجر به کاهش حس تعلق و بی‌اعتمادی شده است. همچنین، تم «حضور در بافت در مقابل زندگی در بافت» نشان‌دهنده تأثیر منفی مهاجرت ساکنان بومی و ضعف خدمات ضروری بر تعاملات اجتماعی و سکونت پایدار است. درنهایت، تم «انتظار اطاعت در مقابل انتظار حمایت» بر نبود قوانین انعطاف‌پذیر و کمبود حمایت‌های اجتماعی تأکید دارد که مانع مشارکت مؤثر مردم در حفاظت بافت تاریخی می‌شود.

به منظور اعتبارسنجی یافته‌های کیفی و بررسی میزان اهمیت تم‌های شناسایی شده، پرسش‌نامه‌ای میان ۳۰۰ نفر از متخصصان و ساکنان بافت تاریخی یزد توزیع شد. نتایج تحلیل توصیفی نشان داد که تم «حفاظت از ساختار در مقابل حفاظت از زندگی» با میانگین امتیاز ۳٫۸ از ۵، به عنوان مهم‌ترین چالش مطرح شده است. سایر تم‌ها نیز امتیازات قابل توجهی کسب کردند که این امر نشان‌دهنده همخوانی دیدگاه پاسخ‌دهندگان با یافته‌های کیفی پژوهش است. این نتایج، چالش‌های موجود در فرایند مشارکت مردم و حفاظت از بافت تاریخی یزد را به خوبی تأیید می‌کند و گویای این است که توجه به زندگی پایدار ساکنان و تشویق مشارکت واقعی آن‌ها می‌تواند به بهبود اقدامات حفاظتی کمک کند.

بحث

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اصلی‌ترین چالش در حفاظت از بافت تاریخی یزد، تقابل میان ساکنان و نهادهای دولتی است. این یافته، که با پژوهش‌های پیشین نیز همخوانی دارد (یزدانفر، ۱۳۸۷، ۱۳۹۳)، ناشی از تفاوت‌های اساسی در دیدگاه‌ها و قضاوت‌های متقابل این دو گروه است. برای مثال، یکی از ساکنان بافت تاریخی اظهار می‌کند:

«دیگه نمی شه تو این محله زندگی کرد، اینجا همین طور دارن اقامتگاه بومگردی و کافی شاپ و رستوران باز می کنن، دیگه مثل محله نیست. اگه به میراث پول بدی هر کاری می تونی بکنی، اما به ما اجازه نمی دن خونه خودمون رو تعمیر کنیم.»

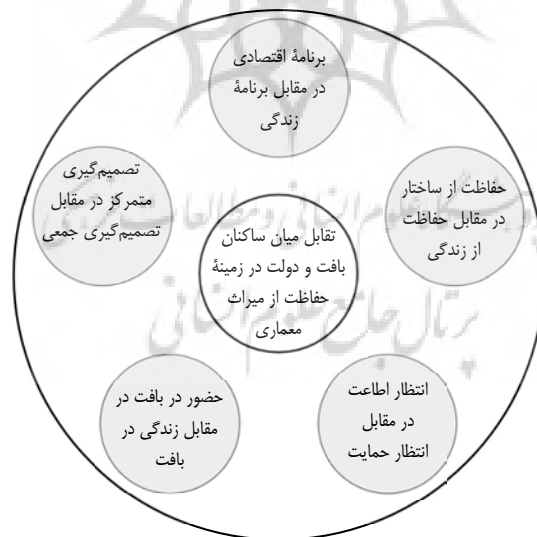
این دیدگاه نشان می دهد که ساکنان حس کنترل کمی بر خانه و محله خود دارند و احساس می کنند که نیازهای آن ها در فرایندهای حفاظتی نادیده گرفته شده است. ازسوی دیگر، یکی از تصمیم گیران بیان می کند:

«مردم زبان اقتصاد را نمی فهمند. اگر به آن ها گزینه هایی بدهیم که از نظر اقتصادی خوب باشند، در جهت حفاظت از میراث کار می کنند و دست از تخریب آن برمی دارند.»

این نقل قول نمایانگر دیدگاهی است که اقدامات مردم را مخرب و مخالف اصول حفاظتی می داند. این تفاوت بنیادین در نگرش ها باعث می شود که هر دو گروه یکدیگر را مانع اصلی حفاظت تلقی کنند و این تقابل به تخلیه بافت از ساکنان و ویرانی تدریجی آن منجر شود.

تقابل میان دولت و ساکنان تنها به تفاوت در قضاوت های متقابل محدود نمی شود، بلکه در تمامی ابعاد حفاظت از میراث فرهنگی یزد مشهود است. این تقابل شامل پنج جنبه اصلی است: درک متفاوت دولت و ساکنان از مفهوم حفاظت، تضاد میان برنامه های اقتصادی و سکونتی، تقابل میان حفظ کالبد بافت و تأمین نیازهای زندگی معاصر، اختلاف میان رویکردهای حاکمیت متمرکز و تصمیم گیری مشارکتی، و تفاوت در انتظارات متقابل دولت و مردم (شکل ۳).

کمبود بودجه دولتی، محدودیت های اقتصادی ساکنان، و بی اعتمادی متقابل، این چالش ها را تشدید کرده و مانع از دستیابی به رویکردی جامع برای حفاظت از بافت تاریخی شده است. یافته های پژوهش، که با مطالعات پیشین نیز همخوانی دارند (یزدانفر، ۱۳۸۷؛ مدرس مصدق و همکاران، ۱۳۹۸)، نشان می دهند که نادیده گرفتن نقش مشارکتی ساکنان، نقطه مشترک تمامی این تقابل ها است.



شکل ۳. مدل آسیب های موجود بر راه مشارکت مردم در حفاظت از میراث معماری

حفاظت از ساختار در مقابل حفاظت از زندگی

نتایج پژوهش نشان می دهد که اختلاف میان دیدگاه های ساکنان و نهادهای دولتی درباره مفهوم حفاظت، یکی از چالش های اساسی در حفاظت از بافت تاریخی یزد است. ساکنان، حفاظت را معادل قابل زندگی

بودن بناها می‌دانند و معتقدند که تغییرات و تعمیرات برای تطبیق با نیازهای زندگی معاصر ضروری است. یکی از ساکنان در این باره می‌گوید:

«این بناها، این محله، خیلی باارزشه، اما میراث فرهنگی اینها رو نمی‌بینه و هیچ اهمیتی نمی‌ده، برای مسافرا هم این چیزها مهم نیست، یه دوری می‌زنن و میرن. فقط برای ما دردسر درست می‌شه.»

درمقابل، نهادهای دولتی بر دست‌نخورده ماندن ساختار کالبدی تأکید دارند، حتی اگر این ساختار برای زندگی مناسب نباشد. دیدگاه‌های متضاد این دو گروه گاهی به اتهاماتی از سوی هر طرف منجر شده است. برای مثال، برخی تصمیم‌گیران اقدامات مردم را مخرب می‌دانند و بر این باورند که ساکنان ارزش‌های بافت را درک نمی‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان از این دیدگاه چنین یاد می‌کند:

«مردم فکر می‌کنند که سازمان میراث فرهنگی جلوی حفاظت و بهبود وضعیت آن‌ها را می‌گیرد، درحالی‌که آن‌ها درک درستی از حفاظت ندارند و اتفاقاً سازمان میراث فرهنگی در این زمینه به آن‌ها کمک می‌کند.»

ازسوی دیگر، ساکنان به عواملی مانند عدم تأمین خدمات شهری، صدور بی‌رویه مجوز برای کسب‌وکارهایی مثل اقامتگاه‌های بومگردی و رستوران‌ها، و سخت‌گیری در تغییرات ساختمانی اشاره می‌کنند که زندگی در بافت تاریخی را دشوار کرده است. یکی از آن‌ها می‌گوید:

«من این محله رو دوست دارم، اما نمی‌شه اینجا زندگی کرد. این خونه برای زندگی مناسب نیست.»

به اعتقاد برخی کارشناسان، سوداگری و نگاه صرف اقتصادی برخی از ساکنان نیز به کاهش انسجام اجتماعی در بافت منجر شده است. این تقابل به وضوح در این نقل‌قول دیده می‌شود:

«مردم در این بین سوداگری می‌کنند و از این طریق زندگی اجتماعی بافت به خطر می‌افتد.»

ریشه این اختلاف‌ها در برداشت متفاوت از مفهوم حفاظت است. نهادهای دولتی حفاظت را معطوف به حفظ کالبد تاریخی به همان شکل باقی‌مانده می‌دانند، درحالی‌که ساکنان به حضور و نیازهای زندگی خود به عنوان بخشی از پایداری بافت تأکید دارند. این اختلاف نظر باعث شده است که سیاست‌های فعلی نه تنها تعارض‌ها را کاهش ندهد، بلکه خروج تدریجی ساکنان از بافت تاریخی را تسریع کند.

نهادهای دولتی برای رفع این تقابل، آموزش و فرهنگ‌سازی را به عنوان راه حل اصلی مطرح می‌کنند. آن‌ها بر این باورند که با آموزش مردم می‌توان علاقه‌مندی به میراث را افزایش داد و فرهنگ حفاظت را در میان ساکنان گسترش داد. اما این رویکرد به دلیل نادیده گرفتن نیازهای واقعی زندگی مردم اغلب ناکارآمد بوده و به جای حل مشکل، به تعمیق شکاف میان دو طرف منجر شده است.

نتایج پیمایش با میانگین ۳/۸ (انحراف معیار = ۰/۸) نیز نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان تقابل میان دیدگاه‌های مردم و نهادهای دولتی را یکی از مهم‌ترین چالش‌های حفاظت از بافت تاریخی یزد می‌دانند. این اختلافات نشان می‌دهد که بدون انعطاف‌پذیری در سیاست‌ها و توجه به نیازهای ساکنان، دستیابی به حفاظت پایدار امکان‌پذیر نخواهد بود.

برنامه اقتصادی درمقابل برنامه زندگی

یکی از چالش‌های اساسی در حفاظت از بافت تاریخی یزد، تقابل میان اولویت‌های اقتصادی و نیازهای زندگی روزمره ساکنان است. نهادهای دولتی، به ویژه وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی،

با توجه به کمبود بودجه و محدودیت‌های اجرایی، به واگذاری بناهای تاریخی به بخش خصوصی روی آورده‌اند. هدف از این اقدام، باززنده‌سازی بافت‌های تاریخی و جذب گردشگران است، اما این رویکرد غالباً نیازها و خواسته‌های ساکنان را نادیده می‌گیرد. یکی از تصمیم‌گیران بیان می‌کند:

«به‌طور کلی، موضوعی که باعث می‌شود ما به مردم نیاز پیدا کنیم، موضوع اقتصاد است؛ وگرنه خود ما کار حفاظت از بافت را انجام می‌دادیم.»

ساکنان بافت تاریخی، که جماعت‌های منسجم با شیوه‌های زندگی و ارزش‌های خاص هستند، با برنامه‌ریزی‌های گردشگری در تضاد قرار گرفته‌اند. ورود گردشگران به بافت تاریخی موجب تغییراتی در الگوهای زندگی، افزایش سر و صدا، ترافیک، و رفتارهایی شده است که با نیازهای زندگی روزمره ساکنان تناسب ندارد. یکی از مسئولان نیز به این موضوع اشاره می‌کند:

«باید از نگاه تجاری به بافت پرهیز کنیم، این موضوع با اولویت‌های مردم در تضاد است. اگر تمرکز را بر نیازهای سطح پایین بگذاریم، از نیازهای سطح بالا مانند تعلق داشتن غافل می‌شویم.»

این تقابل در زندگی روزمره ساکنان به‌وضوح دیده می‌شود. خانه‌هایی که زمانی محیط خصوصی آن‌ها بود، اکنون به محل تردد گردشگران و فعالیت‌های تجاری تبدیل شده است. شلوغی و هیجان شبانه گردشگران با نیاز ساکنان به آرامش و استراحت تضاد دارد و کیفیت زندگی آن‌ها را کاهش داده است. ساکنان انتظار دارند شرایطی فراهم شود که نیازهای زندگی روزمره آن‌ها در بافت تاریخی تأمین شود، اما در عمل، توانایی تعمیر و تغییر خانه‌های خود را ندارند و هم‌زمان شاهد ساخت و بهینه‌سازی ساختمان‌هایی هستند که تنها برای جذب گردشگران طراحی شده‌اند. یکی از تصمیم‌گیران به این موضوع اشاره می‌کند:

«برای اینکه بتوانیم به مشکلاتمان پاسخ بدهیم، باید ارزش‌های خودمان را در قالب موضوعات اقتصادی به مردم ارائه کنیم تا مردم هم بتوانند همراه شوند. در غیر این صورت همراهی مردم را نخواهیم داشت.»

نتایج پیمایش نیز نشان می‌دهد که این تقابل از نگاه شرکت‌کنندگان چالش مهمی است. با میانگین امتیاز ۳٫۲ (انحراف معیار = ۱٫۴)، مواردی چون افزایش ارزش املاک، فرصت‌های شغلی، و ارتقاء امنیت به‌عنوان مزایای اقتصادی مطرح شده‌اند، اما تضاد میان اولویت‌های تصمیم‌گیران و ساکنان پابرجا است. تصمیم‌گیران بر کسب درآمد از بافت تأکید دارند، درحالی‌که ساکنان به زندگی راحت و تأمین نیازهای روزمره خود در این محیط تاریخی اهمیت بیشتری می‌دهند.

تصمیم‌گیری متمرکز در مقابل تصمیم‌گیری جمعی

یکی از چالش‌های کلیدی در حفاظت از بافت تاریخی یزد، تقابل میان مدل‌های تصمیم‌گیری متمرکز دولتی و تصمیم‌گیری جمعی ساکنان است. متخصصان دولتی بر برتری فنی و دانش تخصصی خود تأکید دارند و نیازی به مشارکت ساکنان در فرایند تصمیم‌گیری احساس نمی‌کنند. در نتیجه، فرایندهای تصمیم‌گیری اغلب به‌صورت متمرکز و از بالا به پایین انجام می‌شود، بدون آنکه نظرات مردم در آن دخیل باشد. این دیدگاه در اظهارنظر یکی از متخصصان به‌وضوح قابل مشاهده است:

«مردم صلاحیت و امکان تصمیم‌گیری برای موضوع مهمی مثل حفاظت از میراث تاریخی را ندارند. اگر از مردم نظر بخواهیم، تنها چیزی که برای آن‌ها مهم است، تخریب بناها و ساخت برج به جای آن است.»

درمقابل، ساکنان بافت تاریخی اغلب از طریق جماعت‌های کوچک و غیررسمی برای تبادل نظر و بررسی مسائل محلی اقدام می‌کنند. این جماعت‌ها، هرچند موقتی، توانایی بالقوه‌ای در جهت‌دهی به تصمیمات محلی دارند و در صورت تقویت و سازمان‌دهی می‌توانند نقش مؤثری در فرایندهای تصمیم‌گیری ایفا کنند. با این حال، عدم وجود نهادهای مردمی منسجم و شناخته‌شده از سوی دولت، مشارکت مؤثر ساکنان را به چالش کشیده است. یکی از ساکنان درباره موانع موجود در تعامل با نهادهای دولتی می‌گوید:

«اگر ما بخواهیم به طرح یا پیشنهادی برای برنامه‌های دولتی آماده کنیم، اون قدر طول می‌کشد و گرفتاری‌های اداری داره که هیچ‌کس حاضر نیست مسئولیتش رو قبول کنه.»

این تقابل فقط به نبود تعامل محدود نمی‌شود، بلکه جنبه‌های عمیق‌تر و پیچیده‌تری دارد. نهادهای دولتی ابزارهای مناسب برای برقراری ارتباط سازنده با ساکنان را فراهم نکرده‌اند و مدل‌های تصمیم‌گیری آن‌ها به‌طور عمده متمرکز باقی مانده است. در سوی دیگر، ساکنان نیز در ایجاد نهادهای مردم‌نهاد پایدار که بتواند به‌عنوان نماینده رسمی آن‌ها عمل کند، موفق نبوده‌اند. در نتیجه، مدل تصمیم‌گیری ساکنان همچنان پراکنده و غیررسمی باقی مانده و نمی‌تواند به‌طور مؤثری در فرایندهای رسمی تصمیم‌گیری مشارکت داشته باشد.

نتایج پیمایش نیز با میانگین امتیاز ۳٫۶ (انحراف معیار = ۰٫۸) نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان این تقابل را شناسایی کرده‌اند و معتقدند که نزدیکی این دو مدل تصمیم‌گیری دشوار است. تلاش‌هایی که برای جمع‌آوری نظرات مردم از طریق ابزارهایی مانند پرسش‌نامه انجام شده‌اند، اگرچه گامی مثبت به شمار می‌آیند، اما عمدتاً به‌صورت مقطعی و بدون هدف ایجاد فرایندهای پایدار و مشترک طراحی شده‌اند.

حضور در بافت در مقابل زندگی در بافت

یکی از چالش‌های اساسی در بافت تاریخی یزد، تقابل میان حفظ سرزندگی و تسهیل زندگی روزمره برای ساکنان است. نهادهای دولتی بیشتر بر برگزاری رویدادها و مراسم‌های پرشور تمرکز دارند تا هویت و پویایی بافت تاریخی را به نمایش بگذارند. یکی از مسئولان در این باره می‌گوید:

«باید هرچه در توان داریم برای جذب مردم به بافت و برگزاری مراسم سنتی انجام دهیم. به هر طریقی که شده باید این مراسم‌ها به شکلی پرشور برگزار شوند تا هویت و برند هر محله و هر بخش از بافت تاریخی مشخص شود.»

درمقابل، ساکنان با مشکلاتی در زندگی روزمره مواجه‌اند و خواهان شرایطی هستند که این زندگی را راحت‌تر کند. آن‌ها به کمبود زیرساخت‌ها و محدودیت‌های شدید برای انجام تعمیرات و تغییرات در خانه‌های خود اشاره می‌کنند. یکی از ساکنان اظهار می‌کند:

«ما با محله که ارتباطی نداریم. حتی برای اینکه داخل خونه خودمون هم چیکار کنیم، محدودیت گذاشتن.»

این سیاست‌ها، که هرگونه تغییر در کالبد بافت تاریخی را منع می‌کنند، حس تعلق ساکنان به محله و خانه‌هایشان را کاهش داده است. درحالی‌که متخصصان و تصمیم‌گیران میراث فرهنگی بر حفظ کالبد بناها تمرکز دارند، ساکنان نیازمند تغییراتی هستند که با شرایط مدرن زندگی سازگار باشد. یکی دیگر از ساکنان می‌گوید:

«میراث فقط برای ما دردسر درست می‌کنه و هیچ کاری نمی‌کنه.»

ساکنان همچنین از تبعیض در تخصیص منابع گلایه دارند. آن‌ها معتقدند که توجه نهادهای دولتی تنها به مناطقی است که گردشگران از آن‌ها استفاده می‌کنند. یکی از ساکنان این موضوع را چنین بیان می‌کند:

«میراث فقط دنبال پول درآوردن از این خونه‌های تاریخیه، هر جا که گردشگرا می‌رن خیابونا و کوچه‌ها درست می‌شن و به هر جا که گردشگرا می‌رن رسیدگی می‌شه.»

مداخله‌های نهادهای دولتی، علاوه بر کاهش مطلوبیت زندگی در بافت تاریخی، تغییراتی در سبک زندگی ساکنان به وجود آورده است. بسیاری از خانه‌های موجود در بافت خالی از سکنه شده‌اند و تنها کارکنان مراکز گردشگری در طول روز به این مناطق رفت‌وآمد می‌کنند. این الگوی رفت‌وآمد، بافت را بیشتر به منطقه‌ای کاری و تفریحی تبدیل کرده و کیفیت زندگی در آن را کاهش داده است.

نتایج پیمایش (میانگین ۳٫۴، انحراف معیار ۱) نیز نشان می‌دهد که بسیاری از ساکنان به دلیل دشواری‌های زندگی در بافت تصمیم به ترک آن گرفته‌اند. آن‌ها معتقدند سیاست‌های فعلی به جای حمایت از زندگی در این محله‌ها، این مناطق را صرفاً برای گردشگری و تفریح طراحی کرده است. این دیدگاه با شواهد دیگری نیز تأیید می‌شود؛ به طور مثال، بودجه‌ای که برای تعمیر و نگهداری خانه‌های ساکنان اختصاص یافته بود، به جای آن صرف حمایت از کسب‌وکارهای گردشگری شده است و برنامه‌ریزی برای برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای مرتبط با گردشگران به شدت رواج یافته است.

انتظار اطاعت در مقابل انتظار حمایت

یکی از مهم‌ترین تقابل‌ها در بافت تاریخی یزد، انتظارات متضاد میان ساکنان و نهادهای دولتی است. ساکنان انتظار دارند نهادهای دولتی با حل مشکلاتشان و فراهم کردن امکانات مناسب، زندگی آن‌ها را در بافت تاریخی تسهیل کنند. از سوی دیگر، نهادهای دولتی انتظار دارند که ساکنان بدون مقاومتی، تصمیمات اتخاذ شده را اجرا کنند، حتی اگر این تصمیمات منجر به ترک خانه‌ها یا نادیده گرفتن نیازهای ابتدایی آن‌ها شود. این انتظارات متضاد، به غیرفعال شدن ساکنان و کاهش کارایی نهادهای دولتی منجر شده است. ناتوانی نهادهای دولتی در پاسخ به انتظارات ساکنان باعث افزایش بی‌اعتمادی مردم نسبت به این نهادها شده و در مقابل، ناتوانی ساکنان در برآورده کردن انتظارات نهادهای دولتی، تصویری منفی از آن‌ها به عنوان مانعی در برابر اجرای طرح‌های حفاظتی ایجاد کرده است. یکی از کارشناسان در این باره می‌گوید:

«ما باید کاری کنیم که مردم ارزش بافت تاریخی را درک کنند تا زیر نظر متخصصان و مسئولان از آن حفاظت کنند. این کار با تداوم تکنیک‌ها و اصالت‌بخشی قابل انجام هست.»

اما نگرش غالب در میان برخی نهادهای دولتی، مشارکت ساکنان را با تخریب و آسیب به بافت تاریخی پیوند می‌دهد. یکی از مسئولان اظهار می‌کند:

«مشارکت مردم، دخالت مردم، و تصمیم‌گیری مردم باعث تخریب بافت تاریخی می‌شود چون اساساً این‌ها با مردم گذشته فرق دارند.»

از سوی دیگر، برخی تصمیم‌گیران معتقدند که زندگی ساکنان در این خانه‌ها نه تنها ارزش اقتصادی ندارد، بلکه مانعی برای استفاده تجاری و گردشگری از بافت تاریخی است. در این باره یکی از مدیران دولتی بیان می‌کند:

«این خانه‌ها برای زندگی مردم مناسب نیستند. برای حفاظت نیاز به سرمایه داریم. سکونت مردم سرمایه‌ای به همراه ندارد، در نتیجه تنها راه نجات بافت تاریخی گردشگری است.»

این تقابل ریشه در نبود ارتباط و گفت‌وگو میان ساکنان و نهادهای دولتی دارد. ساکنان از اهداف و برنامه‌های نهادهای دولتی آگاهی کافی ندارند، و این نهادها نیز از نیازها و خواسته‌های مردم بی‌خبرند. نتیجه این وضعیت، نادیده گرفتن پتانسیل‌های هر دو گروه در فرایند حفاظت است. درحالی‌که ساکنان طی قرن‌ها توانایی خود را در حفظ و مدیریت میراث معماری نشان داده‌اند، این توانایی توسط نهادهای دولتی نادیده گرفته می‌شود. درمقابل، ساکنان نیز بر توانایی نهادهای دولتی برای رفع محدودیت‌ها و مشکلات تکیه کرده و توان خود در مدیریت زندگی جمعی در این بافت را کمتر از واقعیت می‌دانند.

نتایج پیمایش (میانگین ۲،۴، انحراف معیار ۱) نشان می‌دهد که نه ساکنان بافت تاریخی و نه کارشناسان نهادهای دولتی این تقابل را تأیید نمی‌کنند. آن‌ها انتظارات خود از طرف مقابل را منطقی و مشروع می‌دانند و معتقدند که طرف دیگر باید مسئولانه‌تر رفتار کند. این اختلاف نظرها نشان‌دهنده وجود پارادایم‌های متفاوتی درباره مسئولیت حفاظت از میراث معماری است که متغیرهایی فراتر از این پژوهش بر آن‌ها تأثیر گذاشته است.

رابطه بین پنج مقابله ساکنان و تصمیم‌گیران دولتی

پنج تقابل شناسایی شده میان ساکنان بافت تاریخی یزد و نهادهای دولتی، به‌طور پیچیده‌ای با یکدیگر مرتبط‌اند و یک شبکه تأثیرگذار از مشکلات را تشکیل می‌دهند. پژوهش‌های پیشین نیز تأکید کرده‌اند که چالش‌های حفاظت از بافت‌های تاریخی معمولاً در بستر چنین شبکه‌های پیچیده‌ای شکل می‌گیرند (فدایی‌نژاد و حناچی، ۱۳۹۳؛ کبیری و همکاران، ۱۳۹۸؛ یزدانفر، ۱۳۸۳، ۱۳۸۷). در این پژوهش، برای درک بهتر ارتباط میان این پنج تقابل، مصاحبه‌ها مجدداً کدگذاری شدند. نتایج نشان می‌دهد که عوامل کلیدی مانند نبود امکان گفت‌وگو، تفاوت در منابع آگاهی، تفاوت در انگیزه‌ها و چشم‌اندازها، و همچنین تفاوت در پتانسیل‌های دو گروه، همگی به شکل‌گیری و تقویت این تقابل‌ها منجر شده‌اند. جدول (۲) این ارتباطات را به‌خوبی نمایش می‌دهد.

جدول ۲. ارتباط میان تقابل‌های شناسایی شده و زمینه‌های اختلاف ساکنان و نهادهای دولتی

تقابل	نبود امکان گفت‌وگو	تفاوت منابع آگاهی	تفاوت بودن انگیزه‌ها	تفاوت بودن چشم‌اندازها	تفاوت بودن پتانسیل‌ها
حفاظت از ساختار در مقابل حفاظت از زندگی	○	●	●	○	○
برنامه اقتصادی در مقابل برنامه زندگی	○	●	●	●	●
تصمیم‌گیری متمرکز در مقابل تصمیم‌گیری جمعی	●	○	○	○	●
حضور در بافت در مقابل زندگی در بافت	○	●	●	●	○
انتظار اطاعت در مقابل انتظار حمایت	●	○	○	○	●

جدول (۲) نشان می‌دهد که نبود امکان گفت‌وگو میان ساکنان و نهادهای دولتی یکی از مهم‌ترین دلایل ایجاد این تقابل‌ها است. عدم برقراری دیالوگ سازنده باعث شده است که هر دو گروه درک نادرستی از اهداف و عملکرد یکدیگر داشته باشند. اگرچه تلاش‌هایی مانند پرسش‌نامه‌ها و ارزیابی‌های رضایتمندی برای جمع‌آوری نظرات ساکنان صورت گرفته، این اقدامات بیشتر جنبه مقطعی داشته و به ایجاد یک گفت‌وگوی فعال و مداوم منجر نشده است. ازسوی دیگر، ساکنان نیز به دلیل پیچیدگی فرایندهای اداری، انگیزه کافی برای تعامل با نهادهای دولتی ندارند.

یکی دیگر از عوامل کلیدی، تفاوت در منابع آگاهی است. ساکنان بافت تاریخی براساس تجربه زیسته و آموزه‌های سنتی خود به بافت نگاه می‌کنند و تداوم زندگی در آن را بهترین روش حفاظت می‌دانند. درمقابل، کارشناسان نهادهای دولتی بر آموزش‌های دانشگاهی و نمونه‌های بین‌المللی تأکید دارند و برنامه‌های مدیریتی خود را بر این اساس تدوین می‌کنند. این دو منبع آگاهی متضاد، تقابل میان گروه‌ها را عمیق‌تر کرده و مانع از رسیدن به یک درک مشترک شده است.

انگیزه‌ها و چشم‌اندازهای متفاوت نیز به این تقابل‌ها دامن می‌زنند. ساکنان برای حفظ کیفیت زندگی و اجتماع محلی خود تلاش می‌کنند، درحالی‌که نهادهای دولتی بر حفظ کالبد بافت و افزایش بهره‌وری سازمانی متمرکز هستند. این تفاوت‌ها باعث شده است که هر گروه اولویت‌ها و راهکارهای متفاوتی برای آینده بافت تاریخی داشته باشد، و برنامه‌ها و اهداف آن‌ها اغلب در تضاد با یکدیگر قرار بگیرند.

علاوه براین، پتانسیل‌های متفاوت ساکنان و نهادهای دولتی تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری این تقابل‌ها دارد. ساکنان به زندگی روزمره خود وابسته‌اند و درصورت ترک بافت، کنترل بر خانه‌هایشان و ارتباط با اجتماع محلی را از دست می‌دهند. درمقابل، نهادهای دولتی از ابزارهای قانونی و ساختارهای سازمانی منسجم برای مداخله در بافت برخوردارند. تصمیم‌گیری‌های ساکنان اغلب در گروه‌های کوچک و براساس روابط اجتماعی صورت می‌گیرد، درحالی‌که نهادهای دولتی از سلسله‌مراتب اداری و بدنه‌ای سازمان یافته بهره می‌برند.

درنهایت، این تفاوت‌ها در زمینه‌های مختلف، مانند انتظارات متقابل، انگیزه‌ها، و روش‌های تصمیم‌گیری، به تقویت تقابل‌ها میان ساکنان و نهادهای دولتی انجامیده است. نبود درک مشترک و عدم استفاده بهینه از پتانسیل‌های هر گروه، حفاظت از بافت تاریخی یزد را با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که رویه‌های موجود در فرایند حفاظت از بافت تاریخی یزد نه تنها مشارکت ساکنان را تقویت نکرده، بلکه تقابل چندوجهی میان ساکنان و نهادهای دولتی ایجاد کرده است. در پاسخ به سؤال نخست پژوهش مبنی بر اینکه «چگونه می‌توان نقش مردم را در حفاظت از میراث معماری بافت تاریخی یزد تقویت کرد؟»، نتایج نشان می‌دهد که ساکنان بافت تاریخی تمایل دارند از طریق تصمیم‌گیری جمعی و مدیریت محله‌ای، نقش مؤثرتری در حفاظت ایفا کنند. بااین حال، نیاز به حمایت نهادهای دولتی و ارائه برنامه‌های توانمندسازی برای ساکنان به شدت احساس می‌شود. در ارتباط با سؤال دوم پژوهش که به «چالش‌ها و موانع مشارکت مردم» پرداخته است، موانعی همچون سخت‌گیری‌های قانونی، کمبود خدمات شهری، عدم توجه به نیازهای روزمره ساکنان و تمرکز بر برنامه‌های اقتصادمحور به جای زندگی پایدار از اصلی‌ترین چالش‌های شناسایی شده هستند. این عوامل منجر به کاهش حس تعلق ساکنان به بافت تاریخی و ایجاد شکاف میان آن‌ها و نهادهای مسئول شده است.

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش درباره «چگونگی تعامل میان نهادهای دولتی و جامعه محلی برای بهبود

اقدامات حفاظتی»، نتایج نشان می‌دهد که تعامل سازنده مستلزم تغییر رویکرد نهادهای دولتی از تمرکز صرف بر حفاظت کالبدی به توجه به زندگی اجتماعی و معیشت مردم است. این امر از طریق برقراری مدل‌های مشارکتی واقعی و ایجاد برنامه‌هایی که نیازهای مردم و الزامات حفاظتی را توأمان در نظر بگیرند، امکان‌پذیر خواهد بود.

در نهایت، سؤال چهارم پژوهش که «آیا روش‌های کنونی حفاظت با نیازها و انتظارات مردم همخوانی دارند؟» را مطرح می‌کند، نشان می‌دهد که روش‌های فعلی بیشتر بر ویژگی‌های نمایی و گردشگری بافت متمرکز هستند و با نیازهای واقعی ساکنان در تضادند. برنامه‌های موجود، به جای حمایت از زندگی پایدار در بافت، به ایجاد محدودیت‌هایی منجر شده‌اند که باعث مهاجرت ساکنان بومی و کاهش نقش‌آفرینی آن‌ها در فرایند حفاظت شده است. در مجموع، این پژوهش تأکید دارد که رفع چالش‌های کنونی و تقویت مشارکت مردم مستلزم بازنگری در سیاست‌های حفاظتی، انعطاف‌پذیری قوانین و برقراری ارتباط سازنده و حمایتی میان نهادهای دولتی و جامعه محلی است. پژوهش‌های آتی می‌توانند به تدوین چارچوب‌های مشخصی برای مشارکت مؤثر مردم در فرایندهای حفاظت، به‌ویژه در شرایطی که تعارض میان ساکنان و نهادهای دولتی مشهود است، بپردازند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران صمیمانه از حمایت‌ها و هم‌فکری آقای دکتر اکبر حاج‌ابراهیم زرگر و دکتر هادی ندیمی در تمامی مراحل اجرای این پژوهش کمال تشکر و قدردانی را دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در بودجه سال ۱۴۰۳، ۷۱۷۹ میلیارد تومان به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اختصاص یافته است (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۴۰۳). به گفته معاون میراث فرهنگی، سرانه حفاظت و مرمت هر بنای تاریخی حدود ۱۳ میلیون تومان و سرانه نگهداری هر محوطه تاریخی حدود ۹۰۰ هزار تومان است. این سرانه‌ها تنها برای ۳۴۴۳۷ اثر ثبت ملی کشور، شامل ۱۴۷۳۰ بنا، ۲۱ بافت شهری و ۱۹۵۹۳ محوطه تاریخی محاسبه شده‌اند (نخ‌کوب نیاسر، ۱۴۰۳).
2. Participatory Conservation & Collaborative Conservation
3. Arnstein
4. Pui Yu Chan
۵. استاد بازنشسته دانشگاه شهید بهشتی و مسئول وقت میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی
6. Reflexive Thematic Analysis
7. ATLAS.ti

منابع

- ابویی، رضا و نیک‌زاد، ذات‌اله (۱۳۹۶). حفاظت معماری و نسبت آن با تاریخ معماری، با نگاه به تجربه حفاظت در ایران. نشریه مطالعات معماری ایران، ۱۱(۱)، ۱۶۹-۱۸۸.
- احمدی، حسین و زمانی، نرجس (۱۳۹۹). مداخلات پیشین و نوین در میراث معماری؛ تبیین رویکردهای ارزشی در یک سیر تاریخی از ۱۳۰۹ تا ۱۳۵۵ ه. ش. نشریه معماری اقلیم گرم و خشک، ۸(۱۲)، ۱۴۷-۱۷۰.
- احمدیان هروی، محمد و خویی، سید محمد مهدی (۱۳۹۶). مطالعه تحولات نهادی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. نشریه مطالعات جامعه‌شناختی، ۵۰، ۲۲۹-۲۵۷.
- ارباسلی، آیلین (۱۳۹۳). حفاظت معمارانه (مترجم: حناچی، پیروز و دیگران). تهران: انتشارات دانشگاه تهران (نشر اصلی اثر ۲۰۰۸).
- ایزدی، محمد سعید (۱۳۸۰). بررسی تجارب مرمت شهری در ایران با تأکید بر تحولات دو دهه اخیر. هفت شهر، ۱۱(۳)، ۳۲-۴۲.

- پرونده ثبت جهانی بافت تاریخی شهر یزد (۱۳۹۶). پرونده ارائه شده به یونسکو برای ثبت در فهرست میراث جهانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- پیروزی، فاطمه (۱۳۹۸). سمینار مرمت بازار تبریز با محوریت مردم، تجارب دکتر فرهاد تهرانی در سال‌های ۵۸ تا ۶۲. تهران: مرکز اسناد دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
- پیروی، مهناز، کبیرصابر، محمدباقر، پاکدل فرد، محمدرضا و فردوسی، عادل (۱۴۰۱). پارادایم‌های حفاظت معماری در ایران معاصر. باغ نظر، ۱۹ (۰۹)، ۳۴-۱۹.
- حسینی، محمد (۱۳۹۵). طرح حفاظت از محله شاه ابوالقاسم با رویکرد تقویت (تداوم) زندگی. یزد: پایگاه میراث فرهنگی شهر تاریخی یزد.
- حق پرست، فرزین و اسمعیلی سنگری، حسین (۱۳۹۸). روند شکل‌گیری و توسعه بازار تاریخی تبریز در بستر مشارکت اجتماعی بعد از زلزله ۱۱۹۴ ه.ق. فصلنامه علمی - پژوهشی جغرافیا، ۹ (۴)، ۵۱۵-۵۳۳.
- حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی (۱۳۹۸). تصویب شده در جلسه علنی مورخ ۲/۴/۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی و تأیید شده توسط شورای نگهبان در تاریخ ۱۲/۴/۱۳۹۸. ابلاغ شده توسط رئیس‌جمهور به شماره ۴۶۳۴۲ مورخ ۱۹/۴/۱۳۹۸. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- زارعیان، مهسا، اسمعیل پور، نجما و اکبری، رضا (۱۳۹۹). سنجش کیفیت زندگی در محلات بافت تاریخی و عوامل مؤثر بر آن، نمونه پژوهش: بافت تاریخی شهر یزد. مجله علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۳۱ (۷۷)، ۱۲۱-۱۴۲.
- سازمان برنامه و بودجه کشور. (۱۴۰۳). لایحه بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور. سازمان برنامه و بودجه.
- سعدوندی، مهدی و کلانتری، مائده (۱۳۹۹). مراتب حفاظت از میراث معماری. نشریه مرمت و معماری ایران، ۲۴، ۳۱-۴۲.
- طرح حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی - فرهنگی و توانمندسازی مالکان و بهره‌برداران بناهای تاریخی - فرهنگی (۱۳۹۸). طرح یک‌فوریتی تصویب شده در جلسه علنی مورخ ۲/۴/۱۳۹۸ مجلس شورای اسلامی و تأیید شده توسط شورای نگهبان در تاریخ ۱۲/۴/۱۳۹۸. ابلاغ شده توسط رئیس‌جمهور به شماره ۴۶۳۴۲ مورخ ۱۹/۴/۱۳۹۸. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- فدایی‌نژاد، سمیه و حناچی، پیروز (۱۳۹۳). بررسی و تبیین سیر تحول سیاست‌ها و برنامه‌های حفاظت از میراث فرهنگی، بازه زمانی سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۱. نشریه مطالعات معماری ایران، ۳ (۵)، ۲۱-۳۷.
- قانون حفظ آثار ملی، ۱۸۰ (۱۳۰۹). تصویب شده در جلسه مورخ ۱۲/۸/۱۳۰۹ مجلس شورای ملی، به شماره ۱۸۰. تهران: اداره کل ثبت آثار ملی.
- کبیری، محمدعلی، رازقی، علی‌رضا و نقی زاده محبوب، یحیی (۱۳۹۸). علت‌شناسی بروز تقاضاهای اجتماعی در خروج میراث معماری از فهرست آثار ملی ایران؛ بررسی موردی تقاضاهای مالکان بناهای تاریخی در بافت تاریخی شهر تهران طی دهه گذشته. نشریه نامه معماری و شهرسازی، ۱۱ (۲۲)، ۵۳-۷۰.
- مدرس مصدق، فرحناز السادات، میرجانی، حمید و عباسی، محسن (۱۳۹۸). اهمیت و ضرورت تداوم سکونت در احیاء خانه‌های تاریخی: آسیب‌شناسی بازکاربری‌های غیر مستقیم در خانه‌های تاریخی شهر یزد. فصلنامه معماری سبز، ۱۵، ۸-۱۵.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۲). گزارش نظارت بر اجرای قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی فرهنگی. <https://rc.majlis.ir/fa/news/show/1775990>
- نخ‌کوب نیاسر، داوود (۱۴۰۳، ۲۸ فروردین). حیرت قائم‌مقام وزیر میراث فرهنگی از سرانه اعتبار حفاظت آثار تاریخی. خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- یزدانفر، سیدعباس (۱۳۸۳). حضور مؤثر مردمی، بستر احیای مناطق تاریخی شهرها. هفت شهر، ۴ (۱۱)، ۷۶-۸۹.
- یزدانفر، سیدعباس (۱۳۸۷). مردم و احیای بافت تاریخی (یزد). تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- یزدانفر، سیدعباس (۱۳۹۳). مقایسه تطبیقی مرمت و احیای سه گذر شهری در یزد با رویکرد نقش مردم و دولت در ساحت کارشناسی. دو فصلنامه علمی پژوهشی مرمت و معماری ایران، ۴ (۷)، ۱۰۵-۱۲۲.
- AbouAssi, K., Nabatchi, T., & Antoun, R. (2013). Citizen participation in public administration: Views from Lebanon. International Journal of Public Administration, 36(14), 1029-1043.
- Achig-Balarezo, M. C., Vázquez, L., Barsallo, M. G., Briones, J. C., & Amaya, J. (2017). Strategies for the management of built heritage linked to maintenance and monitoring. case study of the san roque neighborhood, Cuenca, Ecuador. The International Archives of the Photogrammetry, Remote Sensing and Spatial Information Sciences. DOI: 10.5194/isprs-archives-XLII-2-W5-755-2017.

- Arnstein, S. R. (1969). A Ladder Of Citizen Participation. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(4), 216–224.
- Bruku, S. (2015). Community engagement in historical site protection: Lessons from the Elmina Castle project in Ghana. *Conservation and Management of Archaeological Sites*, 17(1), 67–76.
- Chan, P.Y. (2016). Community participation in heritage management: a case in Macau. Thesis. Graduate School of Architecture, Planning and Preservation Columbia University.
- Cooper, T.L., Bryer, T.A., & Meek, J.W. (2006). Citizen-Centered Collaborative Public Management. *Public Administration Review*, 66, 76–88.
- Council of Europe. (1985). Convention for the Protection of the Architectural Heritage of Europe.
- Council of Europe. (2005). Council of Europe Framework Convention on the Value of Cultural Heritage for Society. Faro.
- Council of Europe. (2009). Commission Staff Working DOCUMENT, European Year of Volunteering.
- Council of Europe. (2017). Community-led Urban Strategies in Historic Towns (COMUS). DGII.
- Creighton, J.L. (2005). The public participation handbook: Making better decisions through citizen involvement. San Francisco: John Wiley & Sons.
- Fung, A. (2006). Varieties of participation in Complex governance. *Public Administration Review*, 66(Suppl. 1), 66–75.
- Göttler, M. Ripp, M. (2017). "Community Involvement in Heritage Management Guidebook" For the OWHC Regional Secretariat Northwest Europe and North America, in cooperation with Joint Project European Union / Council of Europe COMUS and EUROCITIES. Stadt Regensburg.
- Hiyari, M.A. (2012). An integrated participatory approach in managing built heritage: case study of Al Salt, Jordan. unpublished PhD dissertation, Technical University of Dortmund, Dortmund.
- Li, J., Krishnamurthy, S., Pereira Roders, A., & van Wesemael, P. (2020). Community participation in cultural heritage management: A systematic literature review comparing Chinese and international practices. *Cities*, 96, 102467.
- National Coalition for Dialogue & Deliberation (NCDD). (2008). Engagement streams framework. http://www.thataway.org/?page_id=1487.
- Oevermann, H., Degenkolb, J., Dießler, A., Karge, S., & Peltz, U. (2016). Participation in the reuse of industrial heritage sites: the case of Oberschöneweide, Berlin. *International Journal of Heritage Studies*, 22(1), 43–58.
- Spiridon, P. (2013). Integrated scientific conservation: public access and the role of the conservator. International Workshop. Scientific, technological and innovative research in current European context – Vth Edition (10 May, Alexandru Ioan Cuza University of Iași), 269–276.
- Spiridon, P., & Sandu, I. (2015). Conservation of cultural heritage: from participation to collaboration. *ENCATC Journal of Cultural Management and Policy*, 5(1), 43–52.
- Waterton, E., & Watson, S. (eds). (2011). *Heritage and Community Engagement: Collaboration and Contestation?* Springer, New York.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to *Journal of Architecture and Urban Planning*. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

بهرامی، بهروز و آزاد، میترا (۱۴۰۴). نقش آفرینی مردم در حفاظت از میراث معماری؛ بررسی و آسیب شناسی رویه های موجود در زمینه بافت تاریخی شهر یزد. *فصلنامه علمی نامه معماری و شهرسازی*، ۱۷(۴۶)، ۱۳۹–۱۲۲.

DOI: 10.30480/AUP.2025.5515.2188
URL: https://aup.journal.art.ac.ir/article_1401.html

